

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَنْ عَمِلْ عَمَلًا مِثْرَ حَبِّ
بُرَّةٍ نَجَسَتْ لَهُ نَفْسُهُ
وَمَنْ عَمِلْ عَمَلًا مِثْرَ ذَرَّةٍ
نَجَسَتْ لَهُ نَفْسُهُ

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

فرهنگ تشبیهات در دیوان

خیالی بخارایی

استاد راهنما :

دکتر محمد شکرایی

استاد مشاور:

دکتر مهدی کدخدای طراح

نگارش:

سید جهان تقوی نیا

خرداد ماه ۱۳۸۹

((تقدیم به هر کس که

ایران وطنش بوده و باشد و نیز

خواهد بود))

تقدیر و تشکر

((من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق))

سپاس بی قیاس ذات یگانه و توانایی را که از راه تربیت از خاک تیره شاخ برومند برآورد و از ناچیز، چیزهای ارجمند پدیدار کند.

تقدیر و تشکر می نمایم از اساتید محترم راهنما و مشاور که با راهنماییها و مشاوره های بجا و مناسب خود اینجانب را در نگارش این پژوهش یاری رساندند. همچنین از همکاران عزیز و دوستان و خانواده ی محترم که در تمام مراحل نوشتن این پژوهش مرا تحمل و یاری کردند، سپاسگزاری و تشکر می نمایم.

که کار خیر بی روی و ریا کرد

« غلام همّت آن نازنینم

که درد شب نشینان را دوا کرد »

خوشش باد آن نسیم صبحگاهی

(دیوان حافظ، ص ۹۳)

تقوی نیا

چکیده

یکی از ارکان اصلی علم بیان و صور خیال که در شعر شاعران انعکاس زیادی دارد، «تشبیه» است که با نازک خیالی و باریک اندیشی اذهان شعرا و ادبای فارسی زبان جلوه خاصی به شعر و کلام ادبی آنها می بخشد.

خیالی بخارایی از شعرای قرن نهم هجری و عصر تیموریان است که در اشعار خود از این عنصر خیال بیشتر بهره جسته است. بنابراین، پایان نامه با عنوان «فرهنگ تشبیهات در دیوان خیالی بخارایی» مطرح شده است.

این پایان نامه افزون بر مقدمه به دو فصل تقسیم می گردد؛ فصل اول: کلیات و تعاریف، فصل دوم: فرهنگ تشبیهات.

در «مقدمه» به بررسی عصر تیموری و ویژگی های آن، شرح احوال و اشعار شاعر، هدف از انتخاب موضوع، اهداف تحقیق و سابقه و ضرورت و موانع آن پرداخته شده است. در فصل «کلیات و تعاریف» مباحثی همچون بیان و فایده ی آن، تشبیه و ارکان آن، وجه شبه و انواع آن و انواع تشبیه از دیدگاه های مختلف مطرح شده است و در ضمن مطالب، شواهد و امثالی از شاعر ذکر شده است تا بحث تشبیه به صورت همه جانبه و کامل در شعر وی بررسی گردد.

در فصل «فرهنگ تشبیهات» تلاش گردید تا تمام تشبیهاتی که در اشعار شاعر وجود داشته با ذکر شواهد آورده شود، بدین گونه که ابتدا مشبّه ها بر اساس ترتیب الفبایی نوشته شده، سپس زیر هر مشبّه، مشبّه به مربوط به آن با شواهد ذکر شده است و در مواردی که مشبّه به بیش از یکی بوده، نیز مشبّه به ها بر اساس ترتیب الفبایی آمده است.

در جایی که ضمائر بعنوان مشبّه یا مشبّه به واقع شده اند سعی کردیم تا مرجع ضمیر یافته و سپس تشبیه بر اساس آن در فرهنگ تشبیهات گنجانده شود.

فهرست مطالب :

صفحه	عنوان
۱-۸	مقدمه
۹-۴۳	فصل اول : کلیات و تعاریف
۱۰	بیان و فایده ی آن
۱۱	تشبیه در لغت و اصطلاح
۱۳	غرض از تشبیه
۱۴	ارکان تشبیه
۱۵	وجه شبه و انواع آن
۱۸	انواع تشبیه از لحاظ آشکار و نهان بودن وجه شبه
۱۹	انواع تشبیه از لحاظ وجود یا عدم وجود وجه شبه و ادات تشبیه
۲۳	چگونگی تشخیص تشبیه بلیغ
۲۳	نظر قدما در باب تشبیه بلیغ
۲۴	تشبیه از لحاظ تعدد طرفین
۲۷	تشبیه از دید حسی و عقلی بودن طرفین
۳۰	مقصود از مفرد ، مقید و مرکب
۳۰	تقسیم تشبیه به اعتبار افراد و ترکیب
۳۵	اقسام دیگر تشبیه
۴۴-۱۶۲	فصل دوم : فرهنگ تشبیهات
۱۶۳-۱۷۳	پیوست ها:
۱۶۴	نمودار درصد انواع تشبیهات
۱۶۸	نمایه
۱۷۴-۱۷۶	کتابنامه
۱۷۷	چکیده انگلیسی (Abstract)

مقدمه

دوره تیموری از ادوار بزرگ رواج شعر در تمام سرزمین ایران و نواحی مجاور آن شمرده می شود. این عصر از اواخر قرن هشتم آغاز می شود و تا پایان دوره ی حکومت شاه اسماعیل صفوی ادامه می یابد.

تیمور که تا سال (۷۷۱هـ.) یعنی سال جلوس وی بر تخت شاهی، مشغول جنگ با حکومت های محلی بود چندان توجهی به ایران و محدوده ی آن نداشت، ولی از این سال بود که طی دو یورش سه ساله و ده ساله به ایران، آن را تسخیر کرد.^۱

اما اینکه حکومت شاه اسماعیل صفوی در تاریخ ادبیات جزو تاریخ تیموریان به حساب می آید به دلایل زیر است:

اولاً اینکه استقرار حکومت صفوی غالباً بعد از شاه اسماعیل صفوی است. ثانیاً حکومت های تیموری به صورت جسته و گریخته حتی در ایام حکومت شاه اسماعیل ادامه دارند. ثالثاً بسیاری از شعرا و نویسندگان عصر صفوی دست پروردگان علما و دانشمندان عصر تیموری هستند و رابعاً اینکه سلسله ی صفویه را می توان ادامه دهنده ی حکومت های آق قویونلو در غرب ایران دانست.^۲

از میان فرزندان تیمور، شاهرخ در ادبیات فارسی مشهور است، چرا که در دوره ی حکومت وی بازار شعر و شاعری رواج یافت و فرزندان وی از جمله بایسنقر و الغ بیگ توجه خاصی به شعر و ادب و بطور کلی علوم و فنون عصر داشتند، بطوری که می توان گفت توجهی که بایسنقر به شعر و شاعری و هنر خطاطی و نسخه های خطی داشته از مهمترین اقداماتی است که تأثیر بسزایی در گسترش و جهت گیری ادب و فرهنگ فارسی داشته است.

باید دانست که در دوره ی شاهرخ و حتی در زمان سلطان حسین بایقرا و وزارت امیر علیشیر نوایی نیز هرات مرکز ادبی بود. دوره ی حکومت سلطان حسین بایقرا در ادبیات فارسی از آن جهت حایز اهمیت است که وی در شعر «حسینی» تخلص می کرد و همین امر باعث شد تا شعرا و ادبای شیعه مذهب این عصر از این نکته بهره ی وافر ببرند.^۳

ادامه ی حکومت تیموری بعد از سلطان حسین بایقرا توسط ظهیرالدین بابر در سرزمین هند تداوم یافت و حکومت مغول کبیر که غالباً در تاریخ ایران به گورگانیان معروفند بوسیله ی وی شکل

گرفت ، گورگانیانی که بجرأت می توان گفت بزرگترین حامیان شعر و ادب فارسی در تمام ادوار تاریخی ایرانند.

در ادوار قبل از این دوره، مرکز زبان و ادب فارسی ایران بود و هندوستان کانون اصلی شعر و ادب فارسی نبود. ولی در عصر شاهان بابری، این سرزمین مرکز شعر و ادب فارسی شد و شاهان بابری توجه خاصی به زبان و ادب فارسی نمودند و حتی گفته اند بابر و پسرش همایون شاه و همچنین اکبرشاه که از مروّجین اصلی زبان و ادب فارسی در هند بودند ، خود نیز شعر می سرودند.

از طرفی روی کار آمدن بابر، مؤسس تیموریان در هند مقارن بود با ظهور شاه اسماعیل صفوی در ایران. شاه اسماعیل و جانشینانش که بیشتر وقت خود را صرف جنگهای داخلی و زد و خورد با همسایگان می نمودند، مجالی برای تشویق شعرا و توجه به شعر و ادب فارسی نداشتند. شعرا نیز که محیط ایران را مناسب برای زندگی ادبی خود نیافتند، رهسپار هند شده و در آنجا متوطن شدند.^۴

پیدایش دربار علمی و ادبی در هند و تشویق فراوان شاعران فارسی گوی از سوی سلاطین هندی ، عدم توجه شاهان صفوی به شعر و سخنوری و حتی ممانعت از سرودن شعر، باعث گردید تا شاعران فراوانی بویژه در زمان اکبرشاه، که عصر طلایی ادبیات فارسی در هند است، در هند سکنی گزینند . تعداد شاعران این دوره بسیارند و حتی زنانی چون فخری هروی نیز در این دوره در سرودن شعر طبع آزمایی کردند.

باید گفت که از زمان تیموریان هند و ایران بود که سبک هندی در شعر فارسی رواج یافت، بطوری که حتی شعرای ساکن در ایران تا قرن دوازدهم هجری ، بدین سبک شعر می سرودند و پیرو این سبک بودند و در زمینه ی ایجاد مضامین غریب و اندیشه های دور از ذهن، از یکدیگر گوی سبقت را می ربودند.^۵

« تیموریان به دلایل متعددی چون ثروت و شکوه دستگاههایشان ، اشتغال شخصی به شعر و شاعری و هنرهای زیبا و همچنین به خاطر شباهت یافتن دربارشان با دربارهای با شکوه گذشته ی ایران به تشویق شاعران مبادرت می ورزیدند.

«از ویژگی های شعری آنان می توان سادگی و روانی، نکته سنجی و مضمون آفرینی، تقلید و جوابگویی، استفاده از آرایشهای لفظی و معنوی، مدح و ستایش، حماسه و داستان سرایی، اظهار شکایت از زندگی و بدبینی نسبت به آن و ذکر اطعمه و اقمشه را نام برد.»^۶

البته در زمینه ی فرهنگ نویسی در این کشور نیز تلاشهای بسیاری صورت گرفت ، به طوریکه می توان ادعا کرد در هیچ یک از کشورهای فارسی زبان، به اندازه ی شبه قاره هند در راه فرهنگ نویسی کار نشده است.

چنانکه نقوی در کتاب خود با عنوان «فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان» به نقل از استاد جلال الدین همایی می نویسد :

«اهتمامی که در شبه قاره، نسبت به زبان و ادبیات فارسی، مخصوصاً در قسمت فرهنگ نویسی و تذکرة الشعرا مبذول شده، چندین برابر کاری است که خود ایرانیان در این باره انجام داده اند.»^۷

عرفان و تصوف نیز در این دوره به صورت علمی و ذوقی وجود داشت. بطوریکه طرفداران عرفان علمی از جمله جامی از اصطلاحات عارفانه در شعرشان بدون تجربه استفاده می کردند و به شرح و تفسیر اندیشه های ابن عربی می پرداختند و در طرف مقابل طرفداران عرفان ذوقی از جمله قاسم انوار به شرح اندیشه های مولوی و تفسیر مثنوی می پرداختند.

با همه ی تشویق هایی که در این دوره از شعرا صورت گرفته است و علی رغم تعدد شعرا ادبیات پیشرفت نکرد ، چرا که زمینه های ژرف ساختی آن آسیب دیده بود.

می توان گفت که رشد و پیشرفت علوم ادبی مستلزم خلاقیت و ابتکار در آثار ادبی است و دوره ی تیموری از این لحاظ دچار فقر است. بنابراین در این دوره جهت گریز از این عدم خلاقیت، شعرا به تقلید و جوابگویی، معماگویی، مضمون پردازی و جزئی نگری روی می آورند و به قول شمیسا:

«در دیوان شاعران این دوره متهم کردن دیگران به سرقت های ادبی فراوان است و حتی جامی را «دزد سخنوران نامی» خواندند.»^۸

از نکات مثبت این دوره می توان به تمایل نویسندگان به فارسی نویسی، نوشتن کتب لغت و معماً، آموزش زبان فارسی، برگزاری محافل ادبی و تشکیل انجمن های ادبی اشاره نمود .

شاعر مورد بحث ما (خیالی بخارایی) از شعرای این عصر است که در زیر به معرفی او می پردازیم .

خیالی بخارایی (زندگی و احوال وی)

مولانا احمد بن موسی خیالی بخارایی یا خیالی هروی از شعرای قرن نهم هجری است که در هرات متولد شده و در بخارا نشو و نما یافته است. وی در عهد الغ بیگ می زیست. الغ بیگ که همچون بایسنقر از شخصیت های حامی دانشمندان و علوم عصر تیموری است و با توجهی که وی به علوم و ریاضیات داشته و حاصل آن زیج گورکانی است ، باعث احیای علم و دانش در این دوره شد.

خیالی در حدود سال ۸۵۰ هـ بدرود حیات گفت و قبرش در بخارا است.

عبدالرفیع حقیقت به نقل از دولتشاه می نویسد «وی مردی مستعد و خوش طبع بوده و سخنان درویشانه، روان و پاکیزه دارد و دیوان او در ماوراءالنهر، بدخشان و ترکستان شهرتی عظیم دارد»^۹

در ریاض العارفین در باره ی خیالی اینچنین آمده است: «خیالی هروی از اهالی شهر مذکور، و به کمالات صوریه و معنویه مشهور، عاشقی مجرد و سالکی موحد بوده است»^{۱۰}

آثار خیالی

خیالی از شاگردان خواجه عصمت الله بخاری است و علاوه بر دیوان اشعارش که به ۲۰۰۰ بیت می رسد و به گفته ی ذبیح الله صفا « سخنی از آن در ایران و خارج وجود دارد»^{۱۱} حاشیه ای نیز بر تجرید الکلام نوشته است.

وی در دیوان اشعار علاوه بر غزلیات و قصاید از قطعات و مسمط نیز بهره گرفته است.

اشعار و مضامین شعری خیالی

قالب اصلی شعر وی غزل می باشد. وی غزل را نیکو می سراید و در غزلیاتش از عشق و عاشقی، وصف معشوق و بیان خصوصیات وی و بی وفایی عمر و وصال محبوب و دلتنگی خود سخن می گوید. نمونه هایی از این مضامین را در اشعار زیر می توان یافت:

گنجی است عشق یار که عالم خراب اوست بحری است لطف دوست که گردون حباب اوست

(ص ۷۴۰)

دلتنگ بود غنچه به صدر چو من ولی پایش صبا گرفت و خدایش گشاد داد

(ص ۱۱۳)

کردیم بسی سعی ز گلزار وصالش بی ناله چو بلبل به نوایی نرسیدیم

(ص ۱۹۳)

وی غزل معروفی دارد که شیخ بهاءالدین عاملی، دانشمند نامی اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری (متوفی ۱۰۳۰ هجری)، آنرا تضمین نموده است با مطلع :

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه خلقی به تو مشغول و تو غایب ز میانه

(ص ۲۷۱)

البته در غزل وی همچون دیگر شعرای این عصر، اندیشه ی عشق مادی و زمینی موج می زند و به گفته ی دکتر شمیسا : « در غزل عاشقانه ی این دوره، عاشق موجودی محروم و بدبخت و تسلیم محض است و معشوق در کمال عزت است و از طرفی بسیار زیبا و ستمگر است.»^{۱۲}

مضمون پرداززی و جزیی نگری که از مختصات اصلی شعر سبک هندی است در شعر خیالی وجود دارد ، چنانکه در ابیات زیر این نکات مشهود است:

با خیال نرگس مستت خیالی عاقبت توبه بشکست و چو لاله ساغر صهبا گرفت

(ص ۵۶)

کسی که قد تو بیند نبیند ابرویت

چگونه کج نگرد آنکه راست بین افتد

(ص ۱۳۴)

می توان گفت غزل وی تقلیدی از شیوه ی غزلسرای امیر خسرو و حسن دهلوی است.^{۱۳} از گفته های دکتر یارشاطر محقق نامی بر می آید: «که خیالی از شاعرانی است که دنبال مضامین و معانی باریک بوده است و در کلام وی اغلب عیوب لفظی و معنوی دیده می شود.»^{۱۴}

وی در قصایدش به ستایش خداوند یکتا، مدح رسول اکرم و منقبت ائمه ی اطهار و بزرگان زمان خود می پردازد. از جمله ی قصاید وی، قصیده ای است در مدح استاد وی (خواجه عصمت بخاری) بدین مطلع :

«در این سرا چه ی فانی که منزل خطرست بعیش کوش که ایام عمر در گذر است»

(ص ۲۳)

«خواجه فخرالدین عصمت الله بن مسعود بخاری، ممدوح و استاد خیالی، از شاعران نامی است. وی که از اعقاب خواجه حافظ کلان بود، در شعر معروف شد و در غزل و مثنوی و قصیده نیز دست داشته است. خواجه عصمت مردی دانشمند بود و تاریخ و ریاضیات را خوب می دانست و بعلت اینکه در آغاز مداح نصیرالدین سلطان خلیل بود، نصیری تخلص می کرد. در زمان الغ بیگ از شاعری چشم پوشید ولی به اصرار وی به مدحش پرداخت و پس از آن از شاعری توبه کرد و همواره مجلس او مجمع دانشمندان و شعرایی همچون بساطی سمرقندی، خیالی بخارایی، طاهر ابیوردی و ... بوده است و سرانجام در ۸۹۲ هجری در زمان الغ بیگ در گذشت. در شعر از امیر خسرو دهلوی تقلید می کرده و دیوانش بیست هزار بیت دارد.»^{۱۵}

اهداف و ضرورت تحقیق

با عنایت به مطالب مطرح شده و از آنجا که یکی از ویژگی های شعر این دوره توجه به آرایشهای لفظی و معنوی و صنایع بدیعی و بیانی بوده است و پرداختن به چنین ویژگی در نزد شاعران وسیله ای بود برای خلق مضامین و از سویی تشبیه یکی از ارکان اصلی علم بیان و صور خیال و وسیله ای برای زیبا و هنری نمودن کلام است و از دیگر سو خیالی بخارایی از شاعرانی است

که زیباییهای شعر و سخن وی به خوانندگان معرفی نشده، لذا تصمیم گرفتم تا با راهنمایی اساتید محترم و با توکل به خدای سبحان به بررسی تشبیهات در دیوان این شاعر پردازم و با جستار در اشعار وی و با استفاده از منابع گوناگون بلاغی تا حدودی دین خود را به جامعه علمی و ادبی ایران اسلامی ادا نمایم. امید است این پژوهش ناچیز، سرآغازی برای انجام کارهای بزرگ پژوهشگران این مرز و بوم درزمینه ی زبان و ادب فارسی باشد تا راز و رمزهای فرهنگ و ادبیات زیبای ایران بر همگان آشکار گردد.

سابقه ی تحقیق

هر چند نویسندگان بسیاری در حوزه ی علوم بلاغی و بحث تشبیه قلم فرسایی کرده اند و درخت ادبیات را از این لحاظ پربار نموده اند، اما تا کنون بحث تشبیه به صورت شخصی در دیوان اشعار خیالی کار نشده است و لذا این پژوهش با بررسی تشبیه و تنظیم فرهنگ تشبیهات شاعر قابل توجه است و در نوع خود تازگی دارد.

موانع تحقیق

قطعاً هر کاری برای به ثمر نشستن و نتیجه بخش بودن با مشکلات و موانعی روبروست و حقیر نیز در نگارش این تحقیق با موانعی چون عدم دسترسی به کتابخانه ای بزرگ و با کیفیت و کمبود منابع و امکانات لازم مواجه بودم که با توکل بر خدا و تلاش اینجانب و راهنمایی اساتید محترم و همکاران عزیز، این موانع تا حدودی جبران شد، ولی به هر حال این پژوهش و نگارش معایب و نقایصی دارد که انتظار می رود خوانندگان گرامی به دیده ی منت خویش بر آنها بنگرند و این را به حساب ضیق وقت و مشکلات کاری اینجانب بگذارند.

یادداشت های پایانی مقدمه

- ۱) همایی، جلال الدین: تاریخ مختصر ادبیات ایران، ۱۳۷۳، ص ۵۸.
- ۲) ر.ک: شکبیا، پروین: شعر فارسی از آغاز تا امروز، ۱۳۷۰، ص ۱۸۳.
- ۳) همان کتاب، ص ۱۷۴.
- ۴) ر.ک: مهرین، عباس: تاریخ و زبان ادبیات ایران، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۱۲.
- ۵) ر.ک: همایی: همان، ص ۵۹.
- ۶) صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ۱۳۶۴، صص ۲۰۰-۱۶۱.
- ۷) نقوی، شهریار: فرهنگ نویسی در هند و پاکستان، ۱۳۴۱، ص ۱۱.
- ۸) شمیسا، سیروس: سبک شناسی شعر، ۱۳۷۹، ص ۲۵۷.
- ۹) حقیقت، عبدالرفیع: فرهنگ شاعران زبان فارسی از آغاز تا امروز، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۳.
- ۱۰) هدایت، رضاقلی خان: ریاض العارفین، ۱۳۶۱، ص ۷۴.
- ۱۱) صفا: همان، ص ۴۵۶.
- ۱۲) شمیسا، همان: سیر غزل در شعر فارسی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۸.
- ۱۳) همان کتاب، همان صفحه.
- ۱۴) یار شاطر، احسان: شعر فارسی در عهد شاهرخ، ۱۳۳۴، صص ۱۴۳-۱۴۲.
- ۱۵) نفیسی، سعید: تاریخ نظم و نثر در ایران تا پایان قرن دهم هجری، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۲۹۶.

فصل اول

کلیات و تعاریف

بیان وفایده علم بیان
تشبیه در لغت و اصطلاح
غرض از تشبیه
ارکان تشبیه
وجه شبه و انواع آن
انواع تشبیه از لحاظ وجود یا عدم وجود وجه شبه و ادات تشبیه
تشبیه از لحاظ تعدد طرفین
تشبیه از دید حسی و عقلی بودن طرفین
مقصود از مفرد، مقید و مرکب
تقسیم تشبیه به اعتبار افراد و ترکیب
اقسام دیگر تشبیه (معکوس، مضمَر، تفضیل، مشروط، مطلق، تمثیل، سمبلیک، تلمیحی و تشبیه در تشبیه)

بیان

دکتر محمد معین در فرهنگ لغت خود در ذیل واژه ی بیان چنین آورده است :

« بیان : [ع.] (مص ل.) پیدا شدن، هویدا شدن، آشکار شدن. (امص.) شرح، تعبیر، توضیح، فصاحت، زبان آوری. (بیا) علمی که به وسیله ی آن آوردن یک معنی به طرق مختلف شناخته شود.»^۱

علم بیان عبارت است از مجموعه ی قواعدی که بواسطه ی آن می توان یک معنی را به شیوه های گوناگون بیان کرد ، به شرطی که این شیوه های گوناگون در میزان وضوح و خفا متفاوت باشند و این تفاوت مبتنی بر تخیل باشد.

سخنور بلیغ برای گفتن مقصود خود، از شیوه های متفاوتی استفاده می نماید که هر کدام از آنها در تأثیر بخشی، کیفیتی خاص دارد؛ مثلاً هرگاه بخواهد شجاعت کسی را بیان کند گاه از تشبیه استفاده می کند و می گوید: «او مثل شیر است» یا استعاره را برمی گزیند و می گوید: «در خانه شیری نشسته است» و گاهی از کنایه استفاده می کند و می گوید: «او دل شیر دارد». به قول حافظ:

« یک قصه بیش نیست غم عشق و این عجب کز هر زبان که می شنوم نا مکرر است»

(دیوان، ص ۲۹)

« این علم اغلب در حوزه ی دلالت تضمّن و خصوصاً دلالت التزام محقق می گردد و معمولاً با دلالت مطابقه که بکار بردن لفظ در معنای قراردادی آن است، سر و کاری ندارد»^۲. سعد تفتازانی در مختصرالمعانی ، در نقد نظر سکّاکی در تعریف علم بیان چنین می نویسد :

« بَيَانٌ وَهُوَ عِلْمٌ يَعْرِفُ بِهِ اِيرَادُ الْمَعْنَى الْوَاحِدِ بِطُرُقٍ مُّخْتَلِفَةٍ فِي وُضُوحِ الدَّلَالَةِ عَلَيْهِ.»^۳

یعنی: بیان دانشی است که بواسطه ی آن شناخته می گردد آوردن یک معنی به شیوه های گوناگون در روشنی دلالت بر آن.

علم بیان یکی از قلمروهای سه گانه ی زیباشناسی سخن است و می توان ادعا نمود که بیکرانه ترین و بزرگترین حوزه ی خلاقیت در ادبیات، علم بیان یا قلمرو صور خیال است، همان صورخیالی که اروپائیان به آن «ایماژ» می گویند.

باید دانست که علم بیان و قواعد مربوط به آن، در همه ی زبانها و زمانها یکی است و یکی بوده است و همانطوریکه با پیدایش هر زبانی، قواعد دستوری آن نیز بوجود آمده و با آن همراه بوده و رشد و نمو کرده است و می کند، با پیدایش هنر ادبیات نیز در هر زبان، اشکال چهارگانه ی صورخیال (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) مبین ظهور ادبیات از چشمه ی زبان بوده و با گذشت زمان، شکل گرفته و بسوی تکامل خویش در حرکت است و همانند موجودی زنده به حیات خود ادامه می دهد.

امروزه علاوه بر اشکال چهارگانه ی فوق، مباحث دیگری نیز در حوزه ی علم بیان قرار گرفته است. از جمله این مباحث: سمبل، اسطوره، آرکی تایپ (کهن الگو)، تمثیل و ... است.

فایده ی علم بیان

در اصل، فایده ی علم بیان شناسایی اعجاز قرآن کریم بوده است، چرا که فصاحت و بلاغت بی نظیر این کتاب آسمانی و الهی، باعث تحسین و اعجاب سخنوران عرب شده بود. ولی کم کم علم بیان، افزون بر شناخت اعجاز قرآن، به صورت معیاری برای شناخت دقایق بلاغی شعر و نثر عرب درآمده است.

در زبان فارسی نیز فایده ی آن شناخت شیوه های مختلف ادای معانی واحد و آشنایی با چگونگی دریافت مقصود شعرا و سخنوران از معنای ثانوی واژه ها و عبارات و همچنین کشف اسرار و رموز زبان ادبی است.

از آنجایی که موضوع مورد بحث در این پژوهش، یکی از ارکان اصلی علم بیان یعنی تشبیه می باشد، لذا صفحات بعدی به بررسی مفصل این موضوع اختصاص دارد.

تشبیه در لغت

تشبیه می کنند تا میان «ا» و «ب» مشابهت نزدیک و شناخته شده ای حاصل شود و سخن را بگونه ای می آورند که تصور می شود میان «ا ب» و «ب ج» مشابهتی است اگر چه در اصل دور باشد.^۶

البته علمای بدیع و اعجاز قرآن پیش از سایرین به بررسی تشبیه پرداخته اند. به گفته ی بدوی طبانه: «شاید مبرد (فت ۲۸۵ هـ.ق.) نخستین کسی باشد که تشبیه را با دقت و بحث کامل و همه جانبه مورد نظر قرار داده است و بسیاری از تشبیهات قرآنی را از نظر زیبایی و جمال هنری بررسی کرده است و از نظر او تشبیه چهار نوع است: تشبیه مفراط، تشبیه مقارب، تشبیه مصیب و تشبیه بعید که ملاک وی ذوقی و استحسانی محض بوده است»^۷

غرض از تشبیه

اساساً هر سخنی را مقصودی و هر عبارتی را غرضی است. غرض از تشبیه، بیان کردن حال مشبه و تقریر آن در ذهن مخاطب و شنونده می باشد؛ به سخن دیگر مشبه به چگونگی حال مشبه را بیان می کند تا وضعیت و موقعیت مشبه را روشن و مجسم سازد. «پس تشبیه بیان مخیل حال مشبه است و این بیان حال همواره با اغراق همراه است»^۸

چنانکه در بیت زیر:

راست چون سروی است نخل قامت برطرف چشم کز ریاض جان وطن بر ساحل دریا گرفت

(ص ۵۶)

شاعر با تشبیه «قامت معشوق» به «نخل و سرو» قصد داشته است تا قامت معشوق را اولاً به صورت درخت نخل و سرو در ذهن نقاشی، مجسم و مصور کند و ثانیاً با این تشبیه دچار اغراق گردد؛ چرا که قامت هیچ کس به بلندی سرو نیست. پس تکیه بر بلندی غلو است. در مقابل از طرفی خواننده با اغراق مواجه می شود و از طرف دیگر قوه ی خیال و ذوق وی این اغراق را می پسندد و به آن قانع می شود.

اینکه نظامی عروضی در تعریف شعر گفته است: «معنی خرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد، و نیکو را در خلعت زشت باز نماید و زشت را در صورت نیکو جلوه کند»^۹ ناظر به همین معناست؛ چرا که در تشبیه دو جنبه ی اقناع و اغراق هر دو مورد توجه است.

البته در کتب مختلف معانی و بیان، اغراض دیگری نیز برای تشبیه ذکر کرده اند که از آنجا که سایر اغراض بنحوی با این هدف اصلی مرتبط است و نیز ذکر آنها موجب اطاله ی کلام می گردد لذا به همین مورد اصلی و اساسی اکتفا می شود.

نکته ی دیگری نیز در تشبیه باید مد نظر قرار گیرد و آن اینکه مشبّه به وجه شبه غالباً مبین محیط زندگی و دریافتهای ذهنی شاعر است؛ چرا که این محیط زندگی و ادراکات ذهنی، فضای شعر شاعر را تحت تأثیر قرار می دهد. بنابراین تشبیه بیان کننده زندگی، آرمانها، مدرکات و تفکرات شاعر می باشد.

ارکان تشبیه

تشبیه در صورت گسترده و کامل خود، جمله است و این جمله حداکثر چهار جزء دارد که به آن «ارکان تشبیه» گویند. بنابراین ارکان تشبیه چهارتاست :

مشبّه : آن چیزی که به چیز دیگر (مشبّه به) همانند می شود.

مشبّه به : آن چیزی که مشبّه به آن مانند می شود.

وجه شبه: صفت یا ویژگی مشترکی است که بین مشبّه و مشبّه به وجود دارد.

ادات تشبیه : واژه هایی که شباهت را به وسیله ی آنها نشان می دهند.

به عنوان مثال در بیت زیر :

شب همه شب من در این اندیشه تاوقتی که صبح همچو اصحاب طریقت دم زد از صدق و صفا

(ص ۱۹)

«صبح» مشبّه، «اصحاب طریقت» مشبّه به، «از صدق و صفا دم زدن» وجه شبه و «همچو»

ادات تشبیه است. یا در بیت زیر:

گرد کویت چو صبا بی سر و پا می گردد هر که در راه غمت پای ز سر می داند

(ص ۱۳۹)